

شناسایی عوامل تأثیرگذار بر برنامه‌های توسعه آموزش کارآفرینی در نظام آموزش عالی ایران (چهارچوبی برای برنامه‌ریزی اجرا و ارزیابی)

اسد حجازی^{۱*}، عبدالرحیم نوه‌ابراهیم^۲، محمدرضا بهرنگی^۳، حسن‌رضا زین‌آبادی^۴

تاریخ پذیرش: ۹۳/۲/۲۸

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۲/۲۶

چکیده

این تحقیق به منظور شناسایی عوامل تأثیرگذار بر برنامه‌های توسعه آموزش کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشورمان انجام شد. روش تحقیق از نظر شیوه گردآوری اطلاعات توصیفی- پیمایشی و از نظر هدف کاربردی است. جامعه آماری پژوهش، مدیران دانشگاه‌های دولتی شهر تهران بوده که ۳۸۶ نفر به روش نمونه‌گیری سرشماری برای مطالعه انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه و تحلیل محتوا در کنار پرسشنامه محقق ساخته است که روایی آن با مطالعه منابع و اخذ نظرات استادان با تجربه و صاحب‌نظر در زمینه آموزش کارآفرینی به دست آمد و برای محاسبه پایایی، از آزمون آلفای کرانباخ استفاده که میزان عامل سیاست‌گذاری $a=0/87$ و عامل حوزه قلمرو آموزش $a=0/84$ ارزیابی شد. برای تحلیل داده‌ها، از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد سیاست‌ها و حوزه قلمرو آموزش بر برنامه‌های توسعه آموزش کارآفرینی تأثیر دارد. و بین مؤلفه‌های آموزشی تدوین سیاست، اجرا و ارزیابی سیاست، طراحی، اجرای، محتوای و ارزشیابی دوره در برنامه‌های توسعه آموزش کارآفرینی در نظام آموزش عالی ایران رابطه‌ی مستقیم و مثبت به دست آمد. هم‌چنین یافته‌ها بیانگر آن است که شاخص‌های برازندگی اولیه در تأیید الگوی سیاست‌گذاری و مؤلفه‌های آموزشی اثرگذار بر برنامه‌های توسعه آموزش کارآفرینی دانشگاهی تناسب داشتن الگو را تأیید می‌کند.

واژه‌های کلیدی: توسعه، آموزش کارآفرینی، سیاست‌ها، اجرای برنامه، محتوای دوره، ارزشیابی، کارآفرینی دانشگاهی

^۱ - دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه خوارزمی

^۲ - دانشیار دانشگاه خوارزمی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

^۳ - استاد دانشگاه خوارزمی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

^۴ - دانشیار دانشگاه خوارزمی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

*- نویسنده مسوول مقاله: azer1383@yahoo.com


مقدمه

کارآفرینی^۱، امروزه یکی از ارزان‌ترین ابزارهای کارآیی است. پیدایش و تقویت کارآفرینی به بسترهای مناسب از جمله بستر مساعد فرهنگی نیاز دارد. کارآفرینی از جنبه فردی مستلزم چارچوب شخصیتی خاصی است که بخشی از آن اکتسابی می‌باشد، بر این اساس نیازمند پرورش و آموزش است. از نظر (Kriesner, 1992)، کارآفرینی با آموزش مستقیم حاصل نمی‌شود و باید به روش پرورشی کارآفرینان را تربیت کرد. اما به زعم (Aldrich and Mcevoy, 2005)، هیچ کس منکر این مطلب نیست که استفاده از فناوری‌های نو و ایجاد کسب و کار بدون آموزش و پژوهش عملاً دست‌نیافتنی است.

(Kuratko And et al, 2005)، نیز بر این عقیده است که کارآفرینی در دو دهه اخیر به عنوان قوی‌ترین نیروی اقتصادی در جهان مورد تجربه واقع شده است. به خاطر همین عامل حوزه آموزش کارآفرینی نیز گسترش یافته است. رشد و توسعه در برنامه‌های آموزشی و درسی که به موضوع کارآفرینی و ایجاد کسب و کارهای جدید اختصاص دارند، بسیار قابل توجه است. به طوری که به عقیده (Rizza & Varum, 2011)، تعداد نشریات علمی در آموزش و پرورش کارآفرینی در سال ۲۰۱۰ بیش از ۳۰۰ درصد افزایش در مقایسه با سال ۲۰۰۰ نشان می‌دهد.

همان‌گونه که جدول ۱ نشان می‌دهد، در مأموریت دانشگاه‌های دنیا تغییر و تحولات عظیمی بوجود آمده است که دانشگاه‌های ما از این قاعده مستثنی نبوده و بایستی جهت تأثیرگذاری بیش-تر در جامعه و ایجاد ارتباط تنگاتنگ با آن الگوهای مطلوبی را اتخاذ و اعمال نمایند.

جدول ۱. توسعه مأموریت‌های دانشگاه

پایامد	آموزش	پژوهش	کارآفرینانه
	حفظ و انتشار دانش	اولین تحول دانشگاهی	دومین تحول دانشگاهی
	مأموریت‌های جدید باعث تنش می‌گردد	دو نوع مأموریت: آموزش و پژوهش	مأموریت سوم: توسعه اقتصادی و اجتماعی؛ مأموریت‌های قبلی نیز ادامه می‌یابد.
حفظ دانش و توسعه آن	پرورش متخصص	حل مسایل و مشکلات جامعه؛ توسعه فناوری	سرمایه کردن دانش، ایجاد ثروت و رفاه؛ ایجاد شغل؛ پیشرفت جامعه

منبع: Etkowitz, 2005, p20

از زمان پیدایش و شکل‌گیری دانشگاه‌ها، مأموریت و وظیفه اصلی آنان آموزش، حفظ و انتقال دانش بوده است. اما با رشد و پیشرفت جامعه و افزایش تقاضا برای ورود به دانشگاه و در نتیجه افزایش میزان فارغ‌التحصیلان، مأموریت دانشگاه از آموزش و تربیت نیروی متخصص به سمت فعالیت‌های پژوهشی و کارآفرینانه فراتر رفت. در همین خصوص، نقش نظام آموزشی بویژه آموزش عالی در تربیت دانش‌آموختگانی که علاوه بر داشتن علم در یک حوزه تخصصی، اعتماد به نفس، قدرت ابتکار، خلاقیت و خطرپذیری داشته باشند و با استفاده از امکانات، فرصت‌ها و توانمندی‌ها اشتغال مولد و درآمدزا ایجاد کنند، بر کسی پوشیده نیست (Jahangiri, 2006). بنابراین، با توجه به اینکه هم‌انگیزش پیشرفت و هم‌کارآفرینی قابل آموزش دادن و یادگیری‌اند (Imani, 2010). بایستی برای پرورش آن از سطوح ابتدایی آموزش و پرورش اقدام کرد و در سطح آموزش عالی به گونه‌ای تخصصی به آن پرداخت (kosari and norizade, 2010).

دانشگاه یکی از پایدارترین نهادها است، این نهاد هم‌اکنون باید از عهده یک آزمون جدید و پیچیده برآید. این آزمون جدید و پیچیده که نقش و کارکرد دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی را به طور قابل توجهی تغییر داده است عبارت است از: شرایط جدید کسب‌وکارها در سطح منطقه‌ای، ملی، و بین‌المللی (Ropke, 1998, p3).

(Gartner, 1994)، در زمینه آموزش کارآفرینی معتقد است که آموزش این مقوله با آموزش دیگر مقوله‌ها مثل اشتغال تفاوت دارد. آغاز یک فعالیت اقتصادی با موضوع مدیریت آن کاملاً متفاوت است. آموزش کارآفرینانه باید به ماهیت یک فرصت‌شغلی اشاره کند. دست‌یابی به این منظور، درگرو ارایه‌ی دروسی است که مهارت‌های دانش‌آموزان و دانشجویان را در زمینه‌ی برقراری ارتباط، مدیریت، تولید فرآورده‌های جدید و داشتن فکر خلاق و دسترسی به فن‌آوری نوآورانه تقویت کند. دیگر زمینه‌های کاری و تحقیق که برای آموزش کارآفرینی اهمیت دارند شامل: آگاهی از تعداد مشاغلی که کارآفرین می‌تواند انتخاب کند، ویژگی‌هایی که شخصیت کارآفرینان را تعریف می‌کند، توانایی رویارویی صحیح با ابهامات و بالاخره موانعی که در هر یک از مراحل اجرای کارهای پرخطر وجود دارد، می‌باشد (Hills, 1998)

(Solomon and et al, 1991)، در نتایج مطالعات خود ابزارهایی که در آموزش کارآفرینی به کار می‌روند را شامل موارد زیر می‌دانند: طرح‌های کسب‌وکار، شروع به کار دانشجویان در فعالیت‌های اقتصادی، مشاوره با کارآفرینان شاغل، مصاحبه با کارآفرینان و بررسی‌های محیطی، قرار گرفتن در محیط‌های واقعی، استفاده از فیلم‌های آموزشی و سفرهای مربوط.

(Klark, 2004)، در نتایج مطالعات خود بیان می‌کند که دانشگاه‌های پویا در هزاره جدید دانشگاه‌هایی هستند که کارآفرین باشند و بتوانند ارزش‌های تخصصی و مدیریتی را تلفیق کنند.

(Mirarab, 2010)، بیان می‌کند در عصر ما آموزش معطوف به کارآفرینی در دانشگاه‌های کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه رو به افزایش است. این برنامه‌ها عمدتاً با هدف ایجاد تجربه‌های علمی و تربیت نیروهایی با ویژگی‌های کارآفرینی طراحی شده‌اند و معمولاً این برنامه‌ها به دانشجویان در تولید ایده‌های نوین و برنامه‌ریزی به منظور علمی ساختن این ایده‌ها کمک می‌کنند. (Hisrich and et al, 2003)، به منظور طراحی محتوا و برنامه آموزش کارآفرینی، رهیافت پودمانی را پیشنهاد می‌دهند. آنها می‌گویند که رهیافت فوق باید به نحوی طراحی گردد که بتواند به ترکیب کاملی از اهداف برنامه‌های آموزش کارآفرینی و مهارت‌های موردنیاز جهت کارآفرینی دست یابد. هیسریچ و پیترز به منظور دستیابی به اهداف آموزش کارآفرینی و با در نظر گرفتن دو اصل بسیار مهم آن یعنی: ۱- تصمیم‌گیری کارآفرینانه و فرایند کارآفرینی، مهارت‌ها و توانایی‌های موردنظر جهت کارآفرین شدن را در سه طبقه؛ توانایی‌های شخصی کارآفرینان، شامل انگیزه قوی، ریسک‌پذیری، استقلال‌طلبی، تغییرپذیری، نوآوری؛ ۲- مهارت‌های مورد نیاز جهت مدیریت کسب و کار، شامل: برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری، تصمیم‌گیری، مذاکره، بازاریابی، مالی، مدیریت، حسابداری، روابط انسانی در شرکت و سازمان، راه‌اندازی و مدیریت شرکت جهت رشد و توسعه. در رهیافت پودمانی هیسریچ و پیترز، اهداف و مهارت‌های ذکر شده اساس و پایه برنامه آموزش کارآفرینی را تشکیل می‌دهند. یکی دیگر از محتواهای آموزشی برای آموزش کارآفرینی در سطح دانشگاه از سوی (Gibb, 2002) ارائه شده است؛ با توجه به اینکه آموزش کارآفرینی رهیافتی جدید در نظام آموزش دانشگاهی است، بنابراین یک برنامه جامع آموزش کارآفرینی باید تمام نیازهای آموزشی را تحت پوشش قرار دهد. به منظور طراحی محتوای آموزش کارآفرینی بایستی نیازهای آموزش کارآفرینی در هر یک از رشته‌های دانشگاهی را از طریق مطالعه محیط پیرامون و بررسی کسب و کارهای راه‌اندازی شده در زمینه موردنظر شناسایی کرد. لذا دستیابی به هر یک از موارد فوق نیازمند محتوای آموزشی خاص خود است. انتخاب روش آموزش بستگی به اهداف آموزش، عمق مطالب درسی و میزان در دسترس بودن مواد درسی و همچنین رفتار ورودی و فرهنگ فراگیران دارد. هم-چنین محتوای در نظر گرفته شده باید به شکلی باشد که کلیه مراحل فرایند کارآفرینی و مهارت‌های مورد نیاز هر مرحله را پوشش دهد.

از سوی دیگر، (Henry, 2005, p106) معتقد است، به منظور سنجش اثربخشی و موفقیت برنامه‌های آموزش کارآفرینی، این برنامه‌ها باید در طی مراحل زمانی مختلف (اعم از دوره آموزش و پس از آن) ارزیابی شوند.

بنابراین با توجه به مراتب فوق مؤلفه‌های آموزش کارآفرینی برنامه‌ای جامع و گسترده است که توسعه آموزش کارآفرینی در دانشگاه را افزایش می‌دهد و به امر تغییر و تحولات و نوآوری نظام یافته‌ی یاری می‌رساند.

(Azizi, 2010) در نتایج پژوهش خود در زمینه طراحی الگوی آموزش کارآفرینی دانشگاه‌های دولتی به ۷ مولفه اصلی دست یافت که عبارتند از: ۱- ویژگی‌های نهادی دانشگاه، ۲- حوزه قلمرو آموزش، ۳- نیازسنجی آموزشی، ۴- محتوای دوره، ۵- ارزشیابی، ۶- اجرای برنامه آموزشی، ۷- فعالیت‌های گسترش. در این الگو ویژگی‌های نهادی دانشگاه و حوزه قلمرو آموزشی به صورت غیر مستقیم بر آموزش کارآفرینی تأثیر می‌گذارند و در سایر مؤلفه‌ها تأثیرشان به صورت مستقیم می‌باشند. از بین این مؤلفه‌ها، مؤلفه محتوای دوره آموزشی از اولویت و اهمیت بالاتر و بیش‌تری برخوردار است.

(Alvani and et all, 2012)، در تحقیقی پیرامون خط مشی‌گذاری و شناسایی نهادهای خط مشی‌گذار در توسعه آموزش کارآفرینی بیان می‌کنند؛ خط‌مشی‌گذاری از عناصر مهم در توسعه کارآفرینی می‌باشد که بایستی به طور ویژه مورد توجه قرار گیرد.

نتایج مطالعات (Sharafi and et all, 2013)، نیز نشان می‌دهد، بین آموزش و کارآفرینی رابطه تنگاتنگی وجود دارد و در صورتی که همراه با یک مجموعه ملاحظات و توجهات باشد این تأثیر دو چندان می‌شود و زمینه رشد بیش از پیش تفکر و رفتار کارآفرینی و خلاقیت را در افراد به دنبال خواهد داشت. لذا به این منظور باید در طراحی و اجرای دوره‌های آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌های ایران مواردی از جمله ابعاد محتوا، هدف، روش تدریس و شیوه ارزشیابی مدنظر قرار گیرد.

در صد سال گذشته، آموزش عالی در کشور ایران از ابعاد مختلف بویژه از نظر کمی پیشرفت‌های چشمگیری داشته است و در این خصوص نباید تردید کرد. اما پیشرفت بیشتر در آموزش عالی عمومی بوده و آموزش عالی فنی و حرفه‌ای برای کشور با جمعیت جوان نظیر ایران، نسبتاً ناکافی بوده است. به طوری که نزدیک به نیمی از بیکاران جامعه را فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی تشکیل می‌دهند (Arasteh, 2004). هم‌چنین بنابر نتایج تحقيقات داخلی؛ پایین بودن میزان سرمایه‌گذاری و عدم توجه به ابعاد مختلف توسعه آموزش کارآفرینی، تمرکز بر آموختن دانش نظری به جای دانش علمی - کاربردی، عدم توجه به پرورش خلاقیت و توان ابتکاری یادگیرندگان، عدم تناسب محتوای برنامه‌های درسی با شرایط و نیازهای بازار کار، عدم جدیت در آموزش دروس عملی و ناکارآمدی دانش آموختگان نظام آموزش عالی کشور در عرصه کار از معضلات عمده نظام آموزش عالی کشورمان می‌باشد (Haji Mirrahimi and et all, 2010). نتایج

مطالعات و بررسی‌های دیده‌بان جهانی کارآفرینی (GEM)^۱ بر روی شاخص‌های کسب و کار کشورمان در بعد آموزش کارآفرینی در مقایسه با سایر کشورهای عضو حاکی از نامطلوب شدن این شاخص در توسعه کارآفرینی دارد. همین‌طور (Moghimi and et all, 2011) در نتایج مطالعات خود، سیاست‌های خرد و کلان مؤثر بر توسعه کارآفرینی کشورمان را در موقعیت پیش‌برنده نمی‌دانند. لذا با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی کشورمان مبنی بر جوان بودن جمعیت موضوع ایجاد اشتغال و کارآفرینی و توسعه‌ی آموزش کارآفرینی از اهمیت دو چندانی برخوردار شده و حتی این موضوع در سیاست‌های کلان، سند چشم‌انداز بیست ساله نظام، برنامه‌های پنجساله توسعه، نقشه جامع علمی کشور و سایر اسناد فرادستی مورد توجه و تأکید است. بنابراین شناسایی عوامل تأثیرگذار بر برنامه‌های توسعه آموزش کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشورمان ضرورت پیدا می‌کند.

لذا سؤال اصلی این پژوهش اینکه، عوامل و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر برنامه‌های توسعه آموزش کارآفرینی چه می‌باشند؟ و سئوالات فرعی پژوهش عبارت است از:

۱- عوامل مؤثر برای برنامه‌های توسعه آموزش کارآفرینی به چه ابعادی تقسیم می‌شوند؟

۲- آیا الگوی اندازه‌گیری ابعاد شناسایی شده برازش مطلوبی با داده‌ها دارد؟

مواد و روش‌ها

این تحقیق توصیفی-پیمایشی از نوع همبستگی و از جهت هدف کاربردی است. جامعه آماری پژوهش در بخش کیفی ۱۴ نفر از خبرگان نهادهای خط‌مشی‌گذار و مدیران دانشگاه‌های موفق در زمینه کارآفرینی بود. و در بخش کمی شامل ۳۸۶ نفر از مدیران دانشگاه‌های دولتی شهر تهران^۲ که با روش سرشماری انتخاب و مورد آزمون قرار گرفتند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق و آزمون فرضیات از روش آماری استنباطی بهره‌گیری شد. در این پژوهش برای شناسایی عوامل و ابعاد مؤثر بر برنامه‌های توسعه آموزش کارآفرینی از روش مصاحبه و تحلیل محتوا در کنار پرسشنامه استفاده شد. به منظور تعیین قابلیت اعتماد پرسش‌ها، مقدار آلفای عامل سیاستگذاری $a=0/87$ و عامل حوزه قلمرو آموزش $a=0/84$ محاسبه شد که نشان‌دهنده پایایی مطلوب ابزار تحقیق می‌باشد. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی

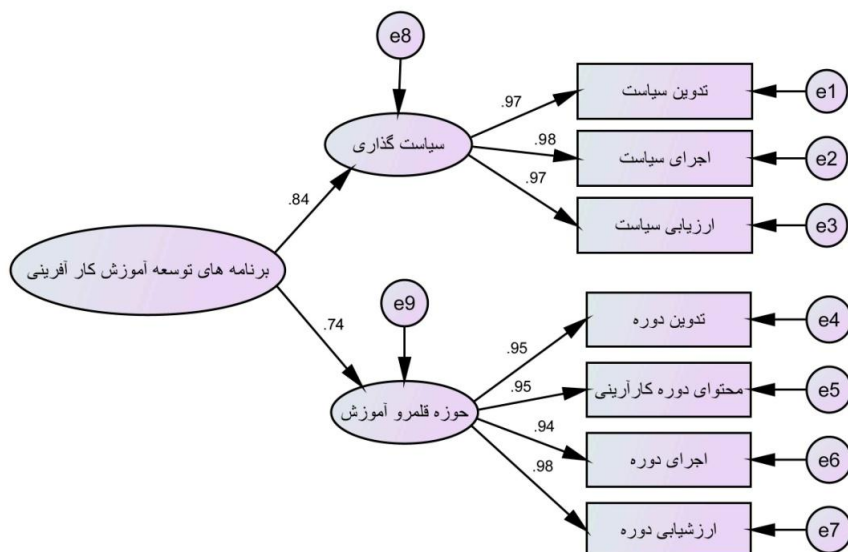
۱ - از سال ۱۹۹۷، با همکاری مراکز معتبر دانشگاهی در برخی کشورها، مدل "جی.ای.ام" (Global Entrepreneurship Monitor) برای ارتباط بین کارآفرینی و رشد اقتصادی طراحی شده و در سال ۱۹۹۹ این الگو در ده کشور جهان مشتمل بر: آمریکا، انگلیس، فرانسه، ایتالیا، ژاپن، کانادا، فنلاند و دانمارک بررسی شد و در سالهای بعد کشورهای دیگر از جمله آرژانتین، هند، ایران و ... هم به آنها پیوستند.

۲ - بر اساس نتایج مطالعه عزیزی (۱۳۸۸) دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی، صنعتی شریف، امیرکبیر، علم و صنعت نسبت به سایر دانشگاه‌ها در زمینه آموزش کارآفرینی موفق‌تراند. در تحقیق حاضر انتخاب جامعه آماری برای آزمون الگوی پیشنهادی مدیران و استادان این دانشگاه‌ها می‌باشند.

با استفاده از نرم افزار اس. پی. اس اس^۱ و لیزرل ۲ انجام شده است. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل سئوالات از روش مدل یابی معادلات ساختاری بهره گیری به عمل آمد.

یافته‌ها

بررسی اعتبار الگوی پیشنهادی با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی؛ در این بخش به بررسی یافته‌های پژوهش پرداخته شد. نخست الگوهای مرتبط با هریک از ابعاد سیاست‌ها و مؤلفه‌های آموزشی تأثیرگذار بر برنامه‌های توسعه آموزش کارآفرینی در دانشگاه از نظر شاخص‌های برازندگی، آزمون شده و در نهایت الگوی نهایی شاخص‌های سیاست‌گذاری و آموزشی اثر گذار بر آن با الگوی معادله‌های ساختاری، تحلیل و آزمون گردید. شاخص‌های برازندگی اولیه در تأیید الگوی سیاست‌گذاری و مؤلفه‌های آموزشی اثر گذار بر توسعه برنامه‌های آموزش کارآفرینی تناسب داشتن الگو را می‌رساند. به طوری که $RMSEA=0/043$ ، $GFI=0/933$ و $AGFI=0/918$ بود. جداول (۳) تا (۵) مؤید ضرایب استاندارد و ضریب تشخیص در الگوی مرتبط با سیاست‌ها و مؤلفه‌های آموزشی است.



$$\chi^2 = 37/132 ; df = 14 ; p = 0/000 ; RMSEA = 0/043$$

شکل ۱. نتایج مدل عاملی به دست آمده از مدل یابی معادلات ساختاری

¹-General Purpose Systems Simulation

²-Linear Structural Relations

شکل ۱. نتایج مدل عاملی به‌دست‌آمده از مدل‌یابی معادلات ساختاری را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج مدل‌یابی معادلات ساختاری و محاسبه ضرایب برآوردی استاندارد جدول ۳ استخراج می‌شود.

جدول ۳- ضرایب استاندارد الگوی توسعه برنامه‌های آموزش کارآفرینی، فاصله اطمینان ۹۵٪

نتیجه	مقدار استاندارد	عوامل و مؤلفه‌ها	وضعیت شاخص متغیر
تأیید شد	۰/۸۴۴	عامل سیاستگذاری	برنامه‌های توسعه آموزش کارآفرینی
تأیید شد	۰/۷۴۲	عامل حوزه قلمرو آموزش	
تأیید شد	۰/۹۷۲	مؤلفه تدوین سیاست	
تأیید شد	۰/۹۸۵	مؤلفه اجرای سیاست	
تأیید شد	۰/۹۷۳	مؤلفه ارزیابی سیاست	
تأیید شد	۰/۹۵۵	مؤلفه تدوین دوره	
تأیید شد	۰/۹۳۶	مؤلفه اجرای دوره	
تأیید شد	۰/۹۴۶	مؤلفه محتوای دوره	
تأیید شد	۰/۹۸۴	مؤلفه ارزشیابی دوره	

همان گونه که نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد، مقدار ضریب استاندارد به‌دست‌آمده برای عوامل و تمام مؤلفه‌ها معنادار است. لذا روابط بین تمام مؤلفه‌ها با توسعه برنامه‌های آموزش کارآفرینی در دانشگاه تأیید می‌شود.

جدول ۴. مقدار استاندارد، ضریب تشخیص و اولویت اثر در الگوی برنامه‌های توسعه آموزش کارآفرینی

اولویت اثر	ضریب تشخیص	مقدار استاندارد	عوامل و مؤلفه‌ها	وضعیت شاخص متغیر
عامل تأثیرگذار اول	۰/۷۱	۰/۸۴۴	عامل سیاستگذاری	برنامه‌های توسعه آموزش کارآفرینی
عامل تأثیرگذار دوم	۱/۵۵	۰/۷۴۲	عامل حوزه قلمرو آموزش	
چهارم	۰/۹۴	۰/۹۷۲	مؤلفه تدوین سیاست	
اول	۰/۹۷	۰/۹۸۵	مؤلفه اجرای سیاست	
سوم	۰/۹۴	۰/۹۷۳	مؤلفه ارزیابی سیاست	
پنجم	۰/۹۱	۰/۹۵۵	مؤلفه تدوین دوره	
هفتم	۰/۸۷	۰/۹۳۶	مؤلفه اجرای دوره	
ششم	۰/۸۹	۰/۹۴۶	مؤلفه محتوای دوره	
دوم	۰/۹۶	۰/۹۸۴	مؤلفه ارزشیابی دوره	

نتایج به دست آمده از جدول ۴ نشان می‌دهد، مقدار ضریب استاندارد برای هر کدام از شاخص‌های محاسبه شده است که بر اساس آن مؤلفه اجرای سیاست، مؤلفه ارزشیابی دوره و مؤلفه ارزیابی سیاست به ترتیب با ضریب تشخیص ۰/۹۷، ۰/۹۶، ۰/۹۴ مهم ترین شاخص اثر گذار بر برنامه‌های توسعه آموزش کارآفرینی در نظام آموزش عالی شناسایی می‌شود. هم‌چنین مؤلفه‌های تدوین سیاست، تدوین دوره و محتوای دوره هر کدام به ترتیب با ضریب تشخیص ۰/۹۴، ۰/۹۱، ۰/۸۹ در اولویت‌های بعدی قرار گرفته است.

جدول ۵- برآزش مدل

نتیجه	مقدار در مدل	دامنه مورد قبول	الگوی مفهومی شاخص‌های تناسب
مورد قبول است	۳۷/۱۳۲	معنادار باشد (بزرگتر از میزان جدول)	χ^2
مورد قبول است	۰/۹۳۳	برابر یا بزرگتر از ۰/۹	GFI
مورد قبول است	۰/۹۱۸	برابر یا بزرگتر از ۰/۹	AGFI
مورد قبول است	۰/632	صفر تا یک	IFI
مورد قبول است	۰/۰۳۲	نزدیک به صفر (کوچکتر از ۰/۵)	RMR
مورد قبول است	۰/۰۴۳	نزدیک به صفر (کوچکتر از ۰/۱)	RMSEA

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ۵، مقایسه مقادیر به دست آمده برای شاخص‌های برآزش از جمله شاخص RMSEA، RMR، GFI، AGFI در دامنه مورد قبول قرار گرفته است که حاکی از برآزش مناسب مدل است.

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش در پاسخ به سؤال اصلی در زمینه الگوی توسعه آموزش کارآفرینی دانشگاهی دو عامل اصلی سیاستگذاری و حوزه قلمرو آموزش شناسایی شد. در پاسخ به سؤال اول مبنی بر ابعاد عامل سیاستگذاری سه مؤلفه تدوین سیاست، اجرا سیاست و ارزیابی سیاست به عنوان ابعاد مؤثر بر برنامه‌های توسعه آموزش کارآفرینی دانشگاهی استخراج و مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد؛ این مؤلفه‌ها با برنامه‌های توسعه آموزش کارآفرینی دانشگاهی رابطه مستقیم و مثبت دارند. نتایج این پژوهش با نتایج تحقیقات (Moghimi and et al, 2011) که بیان می‌کنند، یکی از اصول استقرار و توسعه کارآفرینی کشور توجه به سیاست‌های خرد و کلان است، و این سیاست‌ها را در کشورمان نیازمند بهبود می‌دانند، همخوانی دارد. بر اساس این روند، یک تحلیل کامل از بخش آموزش، مستلزم درک جریان سیاست گذاری آموزشی، به معنای این که "چگونه" و "چه" موقع توسعه آموزشی انجام شود، خواهد بود. لذا، از آنجا که فرایند سیاستگذاری یک عنصر

مهم در برنامه ریزی آموزشی است؛ تبیین مفاهیم سیاست و سیاستگذاری و ابعاد آن بر برنامه‌های توسعه آموزش کارآفرینی دانشگاهی ضرورت دارد.

در پاسخ به سؤال دوم مبنی بر نقش عامل قلمرو حوزه آموزش و مؤلفه‌های آن بر برنامه‌های توسعه آموزش کارآفرینی نتایج حاکی از آن بود که این عامل و ابعاد آن با برنامه‌های توسعه آموزش کارآفرینی دانشگاهی رابطه دارد این نتیجه با نتایج به دست آمده از پژوهش (Azizi, 2010) مطابقت می‌کند. ایشان در نتایج مطالعات خود در زمینه طراحی الگوی آموزش کارآفرینی مؤلفه اجرای برنامه را حایز اهمیت دانسته است. بنابراین در میزان تحقق کمی و کیفی یک برنامه، توجه به شیوه اجرای آن برنامه حایز اهمیت است و هر گونه خلل و کوتاهی در اجرا می‌تواند یک برنامه خوب را هم ناکارآمد و غیر مؤثر جلوه دهد. افزون بر این یافته‌ها حاکی از آن است که مهم‌ترین شاخص اثر گذار در میان سایر شاخص‌های مورد بررسی بر برنامه‌های توسعه آموزش کارآفرینی در این عامل دانشگاه توجه به نقش ارزشیابی و محتوا دوره می‌باشد. لذا محتوای آموزش کارآفرینی بایستی به گونه‌ای طراحی شود که شناخت افراد را از مسایل اطراف خود بالا ببرد و قدرت تحلیل مسایل را به گونه‌ای متفاوت با دیگران به دانشجویان کارآفرینی عطا کند. و در خصوص نقش ارزشیابی بر برنامه‌های توسعه آموزش کارآفرینی، می‌توان نتیجه گرفت این شاخص‌ها نیز در مجموع از ضریب تشخیص قابل قبولی برای توسعه برنامه‌های آموزش کارآفرینی برخوردار است. نتایج این یافته‌ها با نتایج مطالعات شرفی و دیگران (Shrafi and et all, 2013) که بیان می‌کنند: ضروری است برای بررسی میزان دستیابی به هر دسته یا گروه از اهداف آموزش کارآفرینی معیارها و شاخص‌های لازم برای ارزشیابی شناسایی و تعریف گردند، مطابقت دارد. بنابراین، به منظور اطمینان از اثربخشی دوره‌های آموزش کارآفرینی، میزان شروع کسب و کار جدید یا راه‌اندازی کسب و کار توسط فارغ‌التحصیلان دوره‌های آموزش کارآفرینی می‌تواند به عنوان معیاری برای ارزیابی اثربخشی آموزش‌ها مورد توجه قرار گیرد.

برنامه‌های توسعه آموزش کارآفرینی از عوامل و مؤلفه‌های متعددی از جمله سیاستگذاری و مؤلفه‌های آموزشی شامل: اجرای برنامه، محتوای دوره و ارزشیابی تأثیر می‌پذیرد و این عوامل و مؤلفه‌ها می‌توانند پیامدهای مثبت برای توسعه برنامه‌های آموزش کارآفرینی در دانشگاه بوجود آورند. لذا بایستی سیاست‌گذاران برنامه‌های آموزش کارآفرینی دانشگاهی برای ایجاد و پرورش کارآفرینی و دیدگاه‌های کارآفرینانه سیاست‌ها و خط مشی‌هایی اتخاذ کنند که دانشجویان قابلیت‌های کارآفرینانه خود را بروز دهند. هم‌چنین تحقیقات پیرامون موضوع و عوامل و متغیرهایی که توسعه برنامه‌های کارآفرینی دانشگاهی و بروز قابلیت‌های کارآفرینانه دانشجویان را افزایش

می‌دهد، متمرکز شود. هم‌چنین جهت تعمیم و توسعه برنامه‌های توسعه آموزش کارآفرینی به مؤلفه‌هایی از جمله موارد فوق توجه ویژه شود.

راهکارها و پیشنهادها

در این بخش به ارائه راهکارهایی جهت حل مشکلات و آسیب‌های سیاست‌گذاری توسعه برنامه‌های آموزش کارآفرینی پرداخته می‌شود. این راهکارها و پیشنهادها برخاسته از مطالعات مبانی نظری و اخذ نظرات ذینفعان این دسته از آموزش‌ها (از طریق پرسشنامه) است. این مقاله افزون بر این که شکاف نظری سیاست‌گذاری و توسعه برنامه‌های آموزش کارآفرینی را پر می‌کند، می‌تواند کاربردهایی برای نظام آموزش عالی داشته باشد. نخست اینکه نتایج این پژوهش نقش و اهمیت توجه و ارتقاء سیاست‌گذاری و مولفه‌های آموزشی را برای مدیران به عنوان یکی از مؤثرترین عناصر در توسعه برنامه‌های آموزش کارآفرینی برجسته می‌کند. دوم اینکه این پژوهش به مدیران نظام آموزش عالی و سازمان‌های خط مشی‌گذار در زمینه کارآفرینی نشان می‌دهد برای موفقیت در کارآفرینی، باید با نگاه نظام مند و سیستمی از کلیه فرایندهای توجه به منابع انسانی و ارتقاء برنامه‌های آموزشی آنان پشتیبانی کنند. و آخر اینکه با توجه به یافته‌های این تحقیق ضرورت دارد، برنامه‌های آموزشی مقاطع تحصیلی مختلف با هدف پرورش مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان در زمینه برنامه‌ی اجراء، محتوای دوره و ارزشیابی مورد بازنگری قرار گیرد.

تقویت جایگاه اعضای هیأت علمی و دانشگاه‌ها در سیاست‌ها و تصمیم‌های مهم کشوری در زمینه آموزش کارآفرینی دانشگاهی، ایجاد مراکز کارآفرینی در دانشگاه‌ها و تعیین ساختار تشکیلاتی و پست سازمانی (هیأت علمی و غیر هیأت علمی)، اصلاح نوع ارتباط دانشگاه و صنعت، تدوین قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌های اجرایی لازم برای توسعه آموزش کارآفرینی در بخش‌های مختلف بویژه در نظام آموزش عالی، توجه و تأکید به مهارت، دانش و توانایی در برنامه‌های آموزش کارآفرینی برای فراگیران، توجه برنامه‌های آموزش کارآفرینی به رویکرد میان رشته‌ای، حمایت و پشتیبانی از فارغ‌التحصیلان کارآفرین از سوی دستگاه‌ها و مراجع ذیربط، توجه ویژه به شیوه‌های جدید (روش‌های فعال) از قبیل روش‌های پروژه، شیوه‌های تجربی و عملی و حل مسأله در اجرای برنامه‌ها آموزشی و تدریس کارآفرینی، ارزیابی برنامه‌ها و ارزشیابی قابلیت‌های آنان از دیگر موارد است که بایستی کانون توجه و تأکید متولیان امر سیاست‌گذاری و مدیران دانشگاهی در زمینه آموزش کارآفرینی قرار گیرد.

References

- Aldrich, H., T. P. Jones and D. Mcevoy(2005); “*Ethnic Advantage and Minority Business Development*”, in Ward, R., Jenkins, R. (Eds), *Ethnic Business*, Cambridge University Press , Cambridge.
- Alwani, M. And Rahmati, M. (2012). Policy System of Entrepreneurship Education, *Journal of Labor and Society*, No. 140, (4-29).
- Arasteh, H. (2004). Entrepreneurship and Higher Education: Principles and obstacles. *Rahyaf Magazine*, No. 29, (5-13).
- Azizi, M. (2010). *Evaluation of entrepreneurship education in state universities of Tehran and present an entrepreneurship education*, doctorate dissertation in Higher Education Management, Tehran: School of Education and Psychology, Shahid Beheshti University
- Clark, B. R. (2004); “The Entrepreneurship University Demand and Response: *Theory and Practice*”; Tertiary Education Management, Vol. 22, Spring.
- Etzkowitz,. H (2005). *The Evolution of the Entrepreneurship Univercity*. Int. J. Technology and Globalisation, 1 (1), 64-77.
- Gartner, W. & Vesper, K. (1994). Experiments in entrepreneurship education: Success and failures. *Journal of Business Venturing*. 9(3), 179-181.
- Gibb, A. (2002). In pursuit of a new ‘enterprise’ and ‘entrepreneurship’ paradigm for learning creative destruction, new values, new ways of doing things and new combination of knowledge. *International Journal of Management Reviews*. 4(3),233-269.
- Global Entrepreneurship Monitor, Iran (2008-2009). Evaluation of Entrepreneurial Activities in Iran, According to Jay. Sheet.'ve Program results for 2008 and 2009, Tehran: Tehran University School of Entrepreneurship.
- Henry, C. and et al (2003). “*Entrepreneurship education and training: can entrepreneurship be taught? Part I*” Education Training Vol. 47 No. 2,pp. 98-111.
- Henry, C. and et al (2005), “*Entrepreneurship education and training: can entrepreneurship be taught? Part II*”, Education Training, Vol. 47 No. 3, pp. 158-169.
- Hajmyrrhymy, S. And Mokhber, A. (2010). Entrepreneurship Education and Development in Higher Education. *Journal of Agricultural Education Management*, NO 9, (71-84).

Hejazi, A. (2013). Examine the Relationship Between Entrepreneurial Orientation and Entrepreneurial Characteristics, *Journal - Research Rhpvyh Art*, Vol. 3, No. 22

Hills, G.E (1988). Variations in university entrepreneurship education: An empirical study of an evolving field. *Journal of Business Venturing*, 3, 109-122.

Hisrich, Robert B. and Michael p. peters(2002). *Entrepreneurship*, Tata McGraw Hill publishing company limited.

Imani, M. T. (2010). Entrepreneurship Education in Universities (The Framework for Planning, Implementing and Evaluating Programs in Entrepreneurship), *Journal of Research Educational Administration*, No. I, pp. 27-49

Jack, S.L. and Anderson A.R. (1998). *Entrepreneurship Education within the Condition of Entreprenology*, Proceedings of the enterprise and learning conference, Aberdeen, 1998.

Jahangiri, A. (2006). Design and Explain the Pattern of Entrepreneurship in Government Organizations, Ph.D. Thesis, Tehran Islamic Azad University Rudhen.

Kriesner, W. F. (1998); "*Small Business Course Content, Training and Other Critical Factors in the Success of Small Business Training Courses*"; Montreal, Canada, Paper Presented to the 30th Annual World Conference of the International Council for Small Business, No. June.

Kuratko, D. F. (2005). The emergence of entrepreneurship education: Development trends and challenges. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 29(5), 577-598.

Kothari, M. and Norouzzadeh, R. (2010). Defining Characteristics of The Four Elements Undergraduate Curriculum With an Emphasis on Entrepreneurship Skills, *Journal of Research and Planning in Higher Education*, No. 54, pp. 1-18.

Myrarb, R. (2010). Study provided entrepreneurship training curriculum in science education, *Journal of Entrepreneurship Development*, First Year, NO, 3.

Moghimi, M. and Taleghani, G. Nargesi, G. Davari, A. (2011). Assessing Encouraging Macro and Micro Policies of Entrepreneurship Development in Iran, *Journal of Business Management*, Vol 3, No. 8.

Rizza, C. & Varum, C (2011). Directions in Entrepreneurship Education in Europe, *XX Journadas de la Asociacion de Economia de la Education*.

Ropke, J. (1998). *The Entrepreneurship University: Innovation, Academic Knowledge Creation and Regional Development in a globalization Economy* Department of Economics, Philipps, Universität Marbury, Germany.

Solomon, G. & Fernald Jr., L. (1991). Trends in small business management and entrepreneurship education in the United States. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 15, 25-39.

Sharafi, M., Moghaddam, M. (2013). Entrepreneurship Education Curriculum: Goals, Content, Teaching Methods and Evaluation Methods, *Journal of Ingenuity in The Humanities*, The First Year. No, 4.

Vesper, J. K. (1993). *Entrepreneurship education, losangeles, entrepreneurial studies center, UCLA*, A.N 4